

مقایسه رضایت از زندگی و رضایت جنسی زوجین با توجه به سبک دلبستگی در دو ریخت شخصیتی a و b در دانشجویان متأهل*

علی محمدزاده^۱، اکبر رضایی^۲، الهه علیزاده منصور^۳

The comparison of life and sexual satisfaction among two personality type of A and B according to attachment style

Ali Mohammadzadeh¹, Akbar Rezaei², Elahe Alizadeh Mansour³

چکیده

زمینه: سبک‌های دلبستگی و ریخت‌های شخصیتی از مؤلفه‌های تعیین کننده در روابط صمیمی زوجین از جمله رضایت از زندگی و رضایت جنسی است. مسئله این پژوهش کمبود داده‌های کافی در ارتباط با رابطه سبک‌های دلبستگی و ریخت‌های شخصیتی با رضایت زندگی و جنسی با در نظر گرفتن اثرات تعاملی بین آنها است. **هدف:** هدف از این پژوهش مقایسه میزان رضایت از زندگی و رضایت جنسی با توجه به سبک‌های دلبستگی در دو ریخت شخصیتی a و b بود. **روش:** این پژوهش علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه پیام نور مرکز تبریز در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود که بالغ بر ۷۰۰۰ نفر بودند. ۴۰۰ نفر با روش نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده انتخاب شدند. پرسشنامه‌های رضایت از زندگی داینر (۲۰۰۸)، رضایت جنسی هادسون (۱۹۸۱)، سبک دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) و ریخت شخصیت بورتنر (۱۹۶۷) روی این افراد اجرا گردید و در انتها بعد از حذف تعداد ۱۵ نفر از نمونه‌ها به دلیل وجود خطا در پرسشنامه‌ها، تحلیل واریانس دو عاملی برای تعداد ۳۸۵ نمونه انجام شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها حاکی از این بود که میزان رضایت از زندگی از تعامل بین نوع سبک دلبستگی افراد و ریخت شخصیت آنها تأثیر می‌پذیرد، به گونه‌ای که افرادی با سبک دلبستگی ایمن در هر دو نوع ریخت شخصیت از میزان رضایت از زندگی بالاتری برخوردار بودند ($p < 0/05$). این در حالی است که میزان رضایت جنسی افراد از نوع سبک دلبستگی و ریخت شخصیت و تعامل بین این دو مؤلفه تأثیر نمی‌پذیرد ($p > 0/05$). **نتیجه گیری:** میزان رضایت از زندگی افراد از نوع ریخت شخصیتی آنها با توجه به نوع سبک دلبستگی‌شان تأثیر می‌پذیرد. **واژه کلیدها:** رضایت از زندگی، رضایت جنسی، سبک دلبستگی، ریخت شخصیت

a و b

Background: Attachment styles and personality types are key determinants of intimate relationships such as life and sexual satisfaction. The issue of the present study is the lack of sufficient data regarding the relationship between attachment styles and personality types with life and sex satisfaction considering the interactive effects between them. **Aims:** The aim of this research is to compare the rate of life satisfaction and sexual satisfaction with respect to attachment styles in two personality types A and B. **Method:** The study was a causal-comparative design. Statistical population contains all married students of Payame Nour University of Tabriz in academic year 2018-2019, which amounts to 7000 subjects of whom 400 subjects were selected as sample through classified random sampling method. Diner's life satisfaction questionnaire(2008), Hadson's sexual satisfaction questionnaire(1981), Hazen and Shaiver's attachment style questionnaire(1987) and Burtner's personality type questionnaire(1967) were carried out on these subjects at first, and finally after eliminating 15 subjects from these samples because of errors contained in questionnaires, two-factor variance analysis of sample containing 385 subject was done. **Results:** Findings show that the rate of life satisfaction is affected by the interaction between the type of attachment style of subjects and their personality types so that subjects with immune attachment style have higher rate of life satisfaction in both personality types, ($p < 0/05$). Whereas sexual satisfaction of subjects is not affected by attachment styles personality type and the interaction between these two components ($p > 0/05$). **Conclusions:** Accordingly rate of life satisfaction is affected by their personality type according to their attachment style. **Key words:** Life satisfaction, Sexual satisfaction, Attachment style, Personality types A and B.

Corresponding Author: elahe3773@gmail.com

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده سوم است.

^۱ دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۲ دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۳ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

¹. Associate Professor, Department of Psychology, Payame Nour University, Tehran, Iran

². Associate Professor, Department of Psychology, Payame Nour University, Tehran, Iran

³. M A in General Psychology, Payame Nour University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

پذیرش نهایی: ۹۸/۰۲/۲۵

دریافت: ۹۷/۱۲/۲۵

مقدمه

از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل سالم و سازنده میان انسان‌ها و برقرار بودن عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است. خانواده محل ارضای نیازهای مختلف جسمانی و عاطفی است و آگاهی از نیازهای زیستی و روانی و شناخت چگونگی ارضا آنها و تجهیز شدن به تکنیک‌های شناخت تمایلات زیستی و روانی ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد. رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت وی از خانواده محسوب می‌شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه تسهیل در امر تحول و تعالی و پیشرفت معنوی و سلامت جامعه خواهد شد (عیدی و خانجانی، ۱۳۸۵). بنابر نظر مؤلفان عملکرد صحیح جنسی یکی از منابع تأثیرگذار بر رضایت‌مندی در زوجین است. در یک ازدواج سالم وجود رابطه جنسی مطلوب به نحوی که بتواند موجب تأمین رضایت طرفین شود نقش بسیار مهم و اساسی در ثبات بنیان خانواده و رضایت جنسی افراد و در نتیجه افزایش رضایت از زندگی آنها خواهد داشت (بردلی، فریند و گوتمن، ۲۰۱۱؛ مک کیب و، گولدهامیر، ۲۰۱۲). با توجه به اهمیت کارکرد متعادل خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن آن، شناخت عوامل مرتبط با رضایت زناشویی که پایه استحکام بخش زندگی خانوادگی است، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین در صورت توجه به عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی می‌توان انتظار داشت که با افزایش سطح رضایت زوجین بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی خانواده‌ها و در کل جامعه کاهش یابد. همچنین با ارتقا سطح رضایت‌مندی زناشویی و رضایت از زندگی، افراد جامعه با آرامش خاطر بیشتر به تحول و تعالی و خدمات اجتماعی فرهنگی و اقتصادی خواهند پرداخت و خانواده‌ها از فضای سالم‌تری برخوردار خواهند شد. خانواده، نهادی مقدس و اصیل‌ترین پایه زندگی اجتماعی است. بقا و دوام جامعه انسانی، به دوام خانواده بستگی دارد. یکی از معیارهای جامعه منسجم، وجود پیوند عاطفی بین اعضای آن است. رضایت جنسی در زوجین یکی از مهمترین عواملی است که وجود یا عدم وجود آن می‌تواند باعث تحکیم یا تزلزل این بنیان شود (بحرینیان و یآوری، ۱۳۸۶). رابطه جنسی در زندگی زناشویی نوعی انرژی است که افراد را بر می‌انگیزد تا عشق و عاطفه و صمیمیت را در بین خود به وجود بیاورند. این رابطه به همان میزانی که جنسی و جسمی است،

خانواده در زمره مهمترین سیستم‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و حفظ و تداوم آن از اهمیت زیادی برخوردار است. خانواده به عنوان واحدی اجتماعی، کانون تحول و تکامل، التیام و شفا دهندگی و تغییر و تحول آسیب‌ها و عوارض است که هم بستر شکوفایی و هم بستر فروپاشی روابط میان اعضایش می‌باشد (مؤمنی جاوید و شعاع کاظمی، ۱۳۹۰). بنابراین لازمه یک جامعه سالم، زن و شوهر سالم است. وقتی زن و شوهری رابطه سالم و سازگارانه‌ای داشته باشند می‌توانند کانون گرم و سالمی را برای فرزندان و کل خانواده فراهم نمایند. در غیر این صورت نه تنها خودشان قربانی ناایمنی خودساخته می‌شوند، بلکه فرزندان و حتی خانواده‌های نزدیک و در نهایت کل جامعه را درگیر این ناایمنی خواهند کرد (رسولی و سلطانی گرد، ۱۳۹۱؛ حسین خانزاده، نیازی، طاهر، مقتدایی، مهری و محمدی، ۱۳۹۴). متخصصان خانواده و زوج درمانگری همواره به دنبال درک عوامل پیشیند و پیش‌بینی کننده کیفیت رابطه زناشویی بوده‌اند. بسیاری از پژوهش‌ها دریافته‌اند که عوامل روانشناختی بهتر از متغیرهای جمعیت شناختی چون سن، سطح تحصیلات، و سابقه طلاق می‌تواند بی‌ثباتی ازدواج را پیش‌بینی کند (بوچارد، لوسیر، و سابورین، ۱۹۹۹). خانواده را می‌توان یک واحد عاطفی و شبکه‌ای از روابط در هم تنیده دانست که از پیوند زناشویی زن و مرد بنا نهاده می‌شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه تسهیل در امر تحول، تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه را در بر دارد. رضایت از زندگی را به عنوان تفاوت بین آنچه که شخص می‌خواهد و آنچه که هست تصور کرده‌اند. وجود برخی ویژگی‌های شخصیتی در زن و مرد می‌تواند به روابط نزدیکتر و صمیمانه‌تری بینجامد. برای مثال زن و شوهری که برونگرا هستند و نیاز به تحریک دارند، از انجام فعالیت‌های اجتماعی مانند رفتن به مسافرت و میهمانی لذت می‌برند. بر عکس زن و یا شوهری که یکی از آنان برونگرا و دیگری درونگرا است، یکی تمایل به فعالیت‌های تازه و متنوع دارد و از جمع لذت می‌برد، در حالی که دیگری به آرامش و زندگی عادی و بدون تنش علاقمند است (موسوی، ۱۳۸۶). خانواده را نهاد اجتماعی معرفی کرده‌اند که ناشی از پیوند زناشویی زن و مرد است.

3. McCabe, & Goldhammer

1. Buchard, Lussier & Sabourin

2. Bradley, Friend & Gottman

و در قبال آن رضایت از زندگی است می‌تواند به صورت احساسی که همراه با نوعی از هیجان مثبت است درک شود به نحوی که فرد از طریق این احساس به هدف زندگی زناشویی که رضایت و زندگی زناشویی سالم است برسد (بارنز، دادسون، وود، توماس و کیمبرلی، ۲۰۱۷).

دل بستگی ایمن، عملکرد و شایستگی را در روابط بین فردی تسهیل می‌کند و موجب ارتقای رفتار اجتماعی و گسترش مقاومت روانی می‌شود. افراد با دل بستگی ایمن، سطح بالاتری از اعتماد و رضایت و سطح پایین تری از تعارضات دارند، در حالی که افراد با دل بستگی دوسوگرا با عدم تعادل در احساسات و تعارضات بالاتر و افراد با دل بستگی اجتنابی با رضایت و صمیمیت کمتر و تعارضات بیشتر مشخص می‌شوند. یافته‌های مطالعه‌ی برنیوم نشان داد که سبک دل بستگی دوسوگرا به طور معنی‌داری با کاهش در رضایت، صمیمیت، لذت و برانگیختگی جنسی ارتباط داشته و سبک دل بستگی اجتنابی، فقط با کاهش صمیمیت جنسی در ارتباط است (سالاری، ۱۳۹۰)

بسیاری تحقیقات ثابت کرده‌اند که افراد با سبک دل بستگی ایمن، نسبت به افراد با سبک دل بستگی نایمن، رضایت‌مندی بیشتری از زندگی خود دارند. افراد با سبک دل بستگی اجتنابی، اهمیت برقراری روابط صمیمی را نادیده می‌گیرند و احتمالاً کمتر توسط همسران خود حمایت می‌شوند. افراد با سبک دل بستگی دوسوگرا در خصوص ارزشمندی خود، تردید دارند و نگرانند که از جانب همسر خود طرد شوند، ممکن است در روابط خود خشونت و حسادت بیشتری نشان دهند که این به نوبه خود موجب عدم رضایت از زندگی در زوجین می‌شود (کولینز، ۲۰۰۰؛ کولینز، ۲۰۰۴؛ کورکوران، ۲۰۰۰).

شخصیت مفهومی کلی و پیچیده است و تأثیرات پایداری بر روابط زناشویی دارد. برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی، تنش‌ها و تعارضات را بین زوج‌ها افزایش می‌دهد و این تعارضات زناشویی می‌تواند نقش به‌سزایی در عدم موفقیت و

حسی می‌باشد. بنابراین یکی از عوامل کلیدی در ارزیابی فرد نسبت به کیفیت زندگی، رضایت جنسی محسوب می‌شود (دلمار سانچز - فونتز، سانتوس - انگلیسیاس و سیرا، ۲۰۱۴).

مطالعات نشان داده‌اند که دل بستگی با عواملی هم چون سلامت روان، تنش، کیفیت روابط بین فردی، رضایت زناشویی، و نیز مسائل مختلف جنسی در ارتباط است (دمپستر، ۲۰۰۷؛ برازارد، شیور و لویزر، ۲۰۰۷). رضایت‌مندی از زندگی به یک فرآیند قضاوتی اشاره دارد که در آن افراد کیفیت زندگی خود را بر حسب یک سری از ملاک‌ها ارزیابی می‌کنند. ویژگی‌های به‌هنگار و ناهنگار روابط بین شخصی به گونه‌ای عمیق از سبک دل بستگی اشخاص تأثیر می‌پذیرد. بنابر نتایج پژوهش‌ها، دل بستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و رضایت، دل بستگی اجتنابی با سطوح پایدارتری از تعهد و دل بستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل مشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی کم در ارتباط است (فینی و نولر، ۱۹۹۰).

در زمینه رابطه جنسی و رضایت از آن در میان زوجین می‌توان گفت که اگرچه زندگی زناشویی سعادت‌مندانه فقط تا اندازه‌ای مربوط به رابطه جنسی است ولی این رابطه ممکن است از مهمترین علل خوشبختی یا عدم خوشبختی در زندگی زناشویی باشد. زیرا اگر این رابطه قانع‌کننده نباشد باعث ایجاد حس محرومیت، ناکامی و عدم احساس ایمنی و در نتیجه از هم پاشیدگی خانواده می‌شود (شاملو، ۱۳۸۰). عملکرد جنسی سالم در افراد نقش مهمی در احساس سلامتی و بالا بردن کیفیت زندگی آنان دارد (بشارت، مظلوم حسینی، غلامعلی لواسانی، قبری هاشم آبادی، ۱۳۹۵). بازخورد، امیال و درک شریک جنسی در ارتباطات جنسی می‌تواند شاخه‌هایی از دل بستگی به والدین به شمار بیاید (سالاری، ۱۳۹۰). اختلال در سیستم جنسی منبع اصلی تعارضات ارتباطی است که می‌تواند موجب تردید در مورد عشق و علاقه و افزایش نگرانی زوجین نسبت به پایداری ارتباط شود (سگراوز، ۲۰۰۲). تمایلات جنسی یک پدیده شگفت‌انگیز چند بعدی، زیستی، روانشناختی، میان فردی، و ویژگی رفتاری است. تمایلات جنسی که زمینه ساز رضایت جنسی

6. Barnes, Dodson, Wood, Thomas, & Kimberly
7. Collins
8. Corcoran

1. Del Mar Sánchez-Fuentes, Santos-Iglesias, & Sierra
2. Dempster
3. Brassard, Shaver & Lussier
4. Feeny & Noller
5. Segraves

ابزار

پرسشنامه رضایت از زندگی داینر: پرسشنامه رضایت از زندگی توسط داینر، ایمونز، لارسن و گریفین^۱ (۱۹۸۵) ساخته شده و از پنج ماده که عناصر شناختی بهزیستی فاعلی را مورد سنجش قرار می‌دهد ساخته شده است. داینر و همکاران ابراز می‌دارند که مقیاس رضایت از زندگی را برای همه گروه‌های سنی تهیه کرده‌اند. این مقیاس متشکل از ۴۸ سؤال بود که میزان رضایت از زندگی و بهزیستی را پیشبینی می‌کرده است. تحلیل عاملی نشان داد که از سه عامل تشکیل شده است، در بین ۴۸ سؤال، ۱۰ سؤال به رضایت از زندگی مرتبط بوده که پس از بررسی‌هایی، در نهایت به ۵ سؤال کاهش یافت و به عنوان مقیاس مجزا مورد استفاده قرار گرفت. داینر و همکاران در نمونه‌ای متشکل از ۱۷۶ نفر دانشجوی مقیاس رضایت از زندگی را ارزیابی کردند که میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها به ترتیب ۲۳/۵ و ۶/۴۳ و ضریب همبستگی بازآزمایی ۰/۸۲ با فاصله دو ماه، محاسبه شد. بیانی و همکاران نیز قابلیت اعتماد مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و از طریق روش بازآزمایی ۰/۶۹ به دست آوردند. هر چه نمره فرد در این پرسشنامه بیشتر باشد، رضایت فرد از زندگی نیز بیشتر خواهد بود. این مقیاس از نوع مقیاس‌های لیکرتی است.

پرسشنامه رضایت جنسی هادسون: این مقیاس توسط هادسون^۲ (۱۹۹۳) برای ارزیابی سطوح رضایت زوجین ساخته شد. این مقیاس، دارای ۲۵ سؤال و از نوع خود گزارش دهی محسوب می‌شود. پاسخ آزمودنی به هر ماده‌ی آزمون، در سطح یک مقیاس ۷ درجه‌ای بین ۰ تا ۶ مشخص می‌شود و در مجموع، نمره‌ی آزمودنی‌ها در کل نمره آزمون بین ۰ تا ۱۵۰ در نوسان است. نمره‌ی بالا در این مقیاس منعکس کننده‌ی رضایت جنسی است. این پرسش‌نامه، توسط پور اکبر (۱۳۸۹) با اجرای مجدد به فاصله ۱۵ روز برای بررسی وضعیت هنجاری مقیاس انجام شد. نتایج اجرای آزمون و اجرای مجدد آن با آزمون همبستگی مورد تحلیل واقع شد. نتایج این آزمون نشانگر میزان همبستگی ۰/۹۶ در سطح معناداری ۰/۰۱ شده است. همچنین برای بررسی دقیق‌تر قابلیت اعتماد به دست آمده از روش دو نیمه کردن آزمون ۰/۸۸ شده است. ضریب گاتمن محاسبه شده نیز ۰/۸۰ است. در تحقیق حاضر، برای تعیین قابلیت اعتماد پرسشنامه‌ی

ناپایداری کانون خانواده داشته باشد و تداورم رضایت‌مندی افراد را تهدید کند (حسینی، ۱۳۹۲).

شخصیت می‌تواند تأثیرات پایداری بر روابط زناشویی داشته باشد. همچنین برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی، تنش‌ها و تعارضات را بین زوج‌ها افزایش می‌دهد و تداوم زندگی زناشویی را تهدید می‌کند. از سویی دیگر تفاوت‌های فردی نیز ممکن است حاصل شخصیت و صفات ژنتیکی باشد که تأثیر زیادی بر افکار، احساسات و رفتارهایی از جمله گرایش به اضطراب و نگرانی دارد (شاه محمدی، فاتحی زاده و احمدی، ۱۳۹۰).

طبق پژوهش‌هایی که ماقبل این انجام گرفته و با توجه به ارزش بنیان خانواده و اهمیت حفظ این بنیان از عوامل آسیب‌زایی که می‌تواند موجب عدم رضایت‌مندی در زوجین و در نتیجه باعث گسلس نهاد خانواده گردد، در این پژوهش سعی شده است به بررسی برخی از عواملی که با تعامل با هم می‌توانند در این امر تأثیر معنادار داشته باشند سعی شده است. به این منظور در این پژوهش با استفاده از روش‌های آماری به بررسی تأثیری که نوع سبک دلبستگی هرکدام از زوجین و نوع ریخت شخصیتی آنها می‌توانند در میزان رضایت از زندگی آنها و رضایت جنسی و در نتیجه حفظ بنیان خانواده شوند، سعی گردیده است.

سؤال اساسی در این پژوهش این است که آیا میزان رضایت از زندگی و رضایت جنسی افراد از نوع سبک دلبستگی افراد در ریخت‌های شخصیتی مختلف تأثیر می‌پذیرد یا نه؟

روش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی بوده و روش اجرا آن از نوع علی مقایسه‌ای است.

جامعه و نمونه: در این پژوهش کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه پیام‌نور مرکز تبریز در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده. تعداد اعضای جامعه این پژوهش ۷۰۰۰ نفر برآورد شده است که از این میان تعداد ۴۰۰ نفر نمونه از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده انتخاب شده است. جهت تعیین حجم نمونه، از جدول انتخاب حجم نمونه مورگان بهره گرفته شده است.

2. Hudson

1. Diener, Emmons, Larsen & Griffin

می‌باشد و از آزمودنی خواسته شد که گزینه‌هایی را انتخاب کند که سبک مشخص وی را در روابط نزدیک بهتر توصیف می‌کند و خرده مقیاسی که آزمودنی نمره بالاتری در آن کسب نماید به عنوان سبک دلبستگی فرد لحاظ می‌شود. هازن و شیور (۱۹۸۷) قابلیت اعتماد باز آزمایی کل این پرسشنامه را ۰/۸۱ و قابلیت اعتماد آلفای کرونباخ را ۰/۸۷ به دست آوردند. بشارت (۱۳۷۹) خصوصیات روان سنجی قابل قبولی را برای این مقیاس گزارش کرده است.

یافته‌ها

در این پژوهش میانگین رضایت از زندگی ۲۲/۶۷، میانگین رضایت جنسی زوجین ۷۹/۵۴، میانگین سبک دلبستگی ایمن ۱۱/۰۱، میانگین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی ۱۴/۱۸، میانگین سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا ۱۱/۹۱ و میانگین ریخت شخصیت ۱/۵۴ بوده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل واریانس دو عاملی با استفاده از نرم‌افزار spss22 استفاده و نتایج حاصل از آن در جداولی ارائه شد. برای داده رضایت از زندگی اندازه نمونه ۳۸۵، و میانگین ۲۲/۷۶۶۲ و انحراف استاندارد ۷/۱۸۷۰۴ برآورد شده است و برای مؤلفه میزان رضایت جنسی با اندازه نمونه ۳۸۵ و میانگین ۷۹/۵۴۰۳ و انحراف استاندارد ۱۹/۳۵۳۳۲ محاسبه گردیده است. برای مؤلفه ریخت شخصیت افراد با اندازه نمونه ۳۸۲، میانگین ۱/۵۴۱۹ و انحراف استاندارد ۰/۴۹۸۹۰ محاسبه گردیده، همچنین برای مؤلفه سبک دلبستگی ایمن با اندازه نمونه ۳۸۵ و مقدار میانگین ۱۶/۰۳۹۰ و مقدار انحراف استاندارد ۴/۱۰۶۱۵ برآورد شد.

رضایت جنسی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۳ بود.

مقیاس دسته‌بندی بورتنر برای تعیین ریخت‌های شخصیت، a و b: این مقیاس توسط بورتنر و روزنمن^۱ (۱۹۶۷) ابداع شده است. پس از آن بورتنر (۱۹۶۹) اقدام به ساختن یک مقیاس کوتاه دسته بندی برای الگوهای رفتاری ریخت a نمود که شامل مقیاس خطی است و به پرسش‌های افتراق معنایی شباهت دارد در این مقیاس از آزمودنی خواسته می‌شود که خود را بر اساس ویژگی‌های خود رتبه‌بندی نماید (میرزایی، ۱۳۸۰). درستی و قابلیت اعتماد این پرسشنامه در ایران ساله‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ توسط دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با اجرای بر روی ۴۲۰ نفر بررسی شده و قابلیت اعتماد ۰/۷۹ به دست آمده. ضریب آلفای کرونباخ در این تحقیق ۰/۷۶ به دست آمده در این مقیاس هر ماده مشتمل بر جواب دو گزینه‌ای بله و خیر است، که بر حسب تعداد پاسخ‌های مثبت نمره دهی صورت می‌گیرد. افراد با نمره آزمون بالاتر از ۱۳ دارای ریخت شخصیتی a و افراد با نمره آزمون کمتر از ۱۳ دارای ریخت شخصیتی b هستند.

مقیاس دلبستگی هازن و شیور: در این پژوهش سبک دلبستگی به والدین بر اساس پاسخگویی به پرسشنامه هازن و شیور^۲ (۱۹۸۷) مشخص شده است. افراد با توجه به طیف لیکرت از (۱ خیلی کم) تا (خیلی زیاد) که برای هر سؤال قرار داده شده است به سؤالات جواب می‌دهند. این پرسشنامه دارای ۱۵ سؤال است که پنج ماده پرسشنامه مربوط به سبک دلبستگی ایمن، پنج ماده مربوط به سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و پنج ماده مربوط به سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا

جدول ۱. تحلیل واریانس دو عاملی برای میزان رضایت از زندگی

مؤلفه	درجه آزادی برای واریانس (df)	مجذور مربعات	واریانس مربعات	مقدار واریانس (F)	درجات معنی داری (sig)
ریخت شخصیت	۱	۱۰۲/۲۵۳	۵۳/۹۶۶	۰/۶۰۴	۰/۵۱۶
سبک دلبستگی	۲	۴۳۱/۸۵۰	۵۷/۸۹۸	۲/۴۲۶	۰/۲۹۲
ریخت شخصیت - سبک دلبستگی	۲	۱۷۸/۰۳۷	۵۷/۸۹۸	۳/۶۲۲	۰/۰۲۸

۲- مطابق نتایج تحلیل واریانس دو عاملی در جدول ۱، با توجه به مقادیر واریانس برای انواع سبک دلبستگی نتیجه می‌گیریم مقدار F برای تأثیر گذاری سبک دلبستگی بر میزان رضایت از زندگی از نظر آماری معنی دار نبوده و فرضیه تأثیر مستقیم سبک دلبستگی بر میزان رضایت از زندگی رد می‌شود.

۱- مطابق نتایج تحلیل واریانس دو عاملی در جدول ۱، با توجه به مقادیر واریانس برای ریخت شخصیت نتیجه می‌گیریم مقدار F برای تأثیر گذاری ریخت شخصیت بر میزان رضایت از زندگی از نظر آماری معنی دار نیست و فرضیه تأثیر نوع ریخت شخصیت در میزان رضایت از زندگی رد می‌شود.

2. Hazan & Shaver

1. Bortner & Rosenman

تعامل بین سبک دلبستگی و ریخت شخصیت، که از نظر آماری معنی دار است این فرض که میزان رضایت از زندگی به مقادیر تعاملی بین سبک دلبستگی و ریخت شخصیت فرد بستگی دارد را تأیید می کند.

۳- مطابق نتایج تحلیل واریانس دو عاملی در جدول ۱، با توجه به مقادیر واریانس برای تعامل سبک دلبستگی و ریخت شخصیت و با توجه به مقادیر F برای تأثیرپذیری میزان رضایت از زندگی از

جدول ۲. تحلیل واریانس دو عاملی میزان مؤلفه رضایت جنسی					
مؤلفه	درجه آزادی برای واریانس (df)	مجذور مربعات	واریانس مربعات	مقدار واریانس (F)	درجات معنی داری (sig)
ریخت شخصیت	۱	۵۲۱/۹۸۲	۵۳/۹۶۶	۱/۷۳۰	۰/۳۰۳
سبک دلبستگی	۲	۳۶۶۸/۳۶۳	۵۷/۸۹۸	۱۲/۲۴۲	۰/۰۷۶
ریخت شخصیت - سبک دلبستگی	۲	۲۹۹/۶۶۱	۵۷/۸۱۹	۰/۸۳۹	۰/۰۵

آماري معنی دار نبوده و فرضیه تأثیر مستقیم سبک دلبستگی بر میزان رضایت جنسی رد می شود.

۳- مطابق نتایج تحلیل واریانس دو عاملی در جدول ۲، با توجه به مقادیر واریانس برای تعامل سبک دلبستگی و ریخت شخصیت و با توجه به مقادیر F برای تأثیرپذیری میزان رضایت جنسی از تعامل بین سبک دلبستگی و ریخت شخصیت، که از نظر آماری معنی دار است این فرض که میزان رضایت جنسی به مقادیر تعاملی بین سبک دلبستگی و ریخت شخصیت فرد بستگی دارد را تأیید می کند.

۱- مطابق نتایج تحلیل واریانس دو عاملی در جدول ۲، با توجه به مقادیر واریانس برای ریخت شخصیت نتیجه می گیریم مقدار F برای تأثیر گذاری ریخت شخصیت بر میزان رضایت جنسی از نظر آماری معنی دار نیست و فرضیه تأثیر نوع ریخت شخصیت در میزان رضایت جنسی رد می شود.

۲- مطابق نتایج تحلیل واریانس دو عاملی در جدول ۲، با توجه به مقادیر واریانس برای انواع سبک دلبستگی نتیجه می گیریم مقدار F برای تأثیر گذاری سبک دلبستگی بر میزان رضایت جنسی از نظر

جدول ۳. تحلیل واریانس میزان رضایت از زندگی با توجه به ریخت شخصیت با تأثیرپذیری از مؤلفه جنسیت					
مؤلفه	درجه آزادی برای واریانس (df)	مجذور مربعات	واریانس مربعات	مقدار واریانس (F)	درجات معنی داری (sig)
ریخت شخصیت	۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۹۹۶	۰/۹۹۶
سبک دلبستگی	۱	۱۲/۵۷۲	۲/۴۴۲	۰/۳۶۲	۰/۳۶۲
ریخت شخصیت - سبک دلبستگی	۱	۵/۱۴۹	۰/۰۹۹	۰/۷۵۳	۰/۷۵۳

لحاظ آماری معنادار نمی باشد و میزان رضایت از زندگی از این دو مؤلفه تأثیر نمی پذیرد.

۱- مطابق داده های جدول ۳، مقدار نمره واریانس برای تأثیر پذیری مؤلفه رضایت از زندگی از ریخت شخصیت و جنسیت از

جدول ۴. تحلیل واریانس دو عاملی میزان رضایت جنسی با توجه دو مؤلفه ریخت شخصیت و جنسیت					
مؤلفه	درجه آزادی برای واریانس (df)	مجذور مربعات	واریانس مربعات	مقدار واریانس (F)	درجات معنی داری (sig)
ریخت شخصیت	۱	۵۴۹/۳۵۷	۰/۰۰۰	۷/۷۳۳	۰/۲۲۰
سبک دلبستگی	۱	۷۸/۰۴۹	۱۲/۵۷۲	۱/۰۹۹	۰/۴۸۵
ریخت شخصیت - سبک دلبستگی	۱	۷۱/۰۳۸	۵/۱۴۹	۰/۱۸۹	۰/۶۶۴

بحث و نتیجه گیری

در آغاز هزاره سوم خانواده همچنان به عنوان زیربنایی ترین رکن جامعه و مورد توجه تمام دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. استحکام بنیان آن از ضروریاتی است که در فرهنگ ما از تقدس

۱- با توجه به مقادیر عددی جدول ۴، مقادیر مربوط به اثرپذیری میزان رضایت جنسی از ریخت شخصیت و جنسیت از نظر آماری معنادار نمی باشد. پس بین میزان رضایت جنسی و این دو مؤلفه هیچ رابطه اثرپذیری وجود ندارد.

از زندگی در افراد متأهل می‌باشد. در نتیجه با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت زندگی جنسی نقش مهمی در رضایت از زندگی ایفا می‌کند. این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش بارنر، دادسون، وود، توماس و کیمبرلی^۷، (۲۰۱۷) همسو است، به گونه‌ای که در این تحقیقات نیز به اثبات رسیده است بین میزان تعامل سبک‌های دل‌بستگی و ریخت شخصیتی افراد و میزان رضایت از زندگی آنها تعامل معنی‌دار وجود دارد، به گونه‌ای که میزان رضایت مندی فرد از زندگی تحت تأثیر چگونگی تعاملات بین این دو مؤلفه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر یافته‌های این پژوهش با یافته‌های (نوسکو، تیو، راوفورد و پلات^۸، ۲۰۱۱) من باب تأثیر سبک‌های دل‌بستگی بر میزان رضایت جنسی مغایرت دارد و همسو نیست، چرا که در این پژوهش طبق یافته‌های آماری رابطه بین میزان رضایت جنسی و نوع سبک دل‌بستگی و ریخت شخصیت افراد معنی‌دار نیست و این مؤلفه‌ها بر هم اثری ندارند، در حالی که در پژوهش انجام شده توسط نوسکو و همکاران (۲۰۱۷) اثرپذیری میزان رضایت جنسی از سبک دل‌بستگی دارای معنی‌داری آماری بوده است. این پژوهش همچنین با گزارش خوشابی و ابوحمره (۱۳۸۵) همسو است چرا که مطابق این تحقیقات ثابت شده بود میزان رضایت جنسی و لذت جنسی در زوج‌هایی که دارای نوع سبک دل‌بستگی ایمن هستند از سطح مطلوب‌تری برخوردار است در حالی که در افراد با سبک دل‌بستگی نایمن دوسوگرا افراد در روابط زناشویی خود دارای روابطی سردتر و رضایت جنسی کمتری بودند. این کاهش میزان رضایت زمانی که فر دارای سبک دل‌بستگی ایمن بود از کاهش چشم‌گیر بیشتری برخوردار بود.

کولین^۹ (۱۹۹۶) نشان داده بود که هر چه افراد دارای سبک دل‌بستگی با درجه‌ی بیشتری از سطح نایمنی برخوردار بودند، در برقراری ارتباطی مطلوب دچار نقص بودند به گونه‌ای که میزان رضایت زناشویی و جنسی آنها دچار کاهش چشم‌گیر می‌شد. با این حساب پژوهش حاضر با این تحقیق نیز همسو است.

طبق تحقیق انجام شده توسط کللال قوچان عتیق (۱۳۹۴) نیز فرضیه اینکه میزان رضایت از زندگی با نوع شخصیت افراد در ارتباط

زیادی برخوردار است. رضایت زناشویی بر کیفیت و میزان سلامت عمومی، رضایت از زندگی و میزان رضایت جنسی افراد تأثیر دارد. روابط جنسی شکل دهنده بخشی از ادراک زوجین از همدیگر است. ادراکات جنسی با رفتارهایی که موجب تداوم ازدواج می‌شوند ارتباط مثبت دارد و در واقع به منزله مینیاتور روابط عمومی است (امیریان زاده، محمدی و امیریان زاده، ۱۳۸۶).

در این پژوهش بین میزان رضایت از زندگی و نوع سبک دل‌بستگی و ریخت شخصیت به صورت تعاملی رابطه معنادار از لحاظ آماری مشاهده شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که میان سبک دل‌بستگی ایمن و نوع ریخت شخصیتی a با میزان رضایت از زندگی ارتباط معنادار از نظر آماری وجود دارد. به طوری که هر چه فردی با ریخت شخصیتی a از درجه بالاتری از دل‌بستگی ایمن برخوردار باشد به همان میزان، میزان رضایت از زندگی وی نیز بیشتر خواهد بود.

نتایج حاصل از این پژوهش با پژوهش بارنر و همکاران (۲۰۱۷)، یانگ و لانگ^۱ (۱۹۹۸) و زانگ^۲ (۲۰۰۷) ناهمسو می‌باشد، ولی با پژوهش دیویس و شیور^۳ (۲۰۰۶) و برازارد، شیور و لوسیر^۴ (۲۰۱۵) همسو است و نتایجی مشابه آنها کسب کرده است. لمپس^۵ (۲۰۱۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که ارتباط زناشویی کارآمد و رضایت جنسی پیش‌بینی‌کننده قوی رضایت از زندگی و افزایش کیفیت زناشویی است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که میان سبک دل‌بستگی نایمن و نوع ریخت شخصیت با میزان رضایت از زندگی ارتباط معنادار از نظر آماری وجود دارد. مطابق با جدول شماره ۴ نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که میان سبک دل‌بستگی نایمن و نوع ریخت شخصیت با میزان رضایت جنسی ارتباط معنادار از نظر آماری وجود ندارد. نتایج حاصل از این پژوهش با پژوهش‌های دیویس و شیور (۲۰۰۶) و لدبتر (۲۰۱۵) همسو است. دوگان، توگود و گلباسی^۶ (۲۰۰۳) در پژوهشی به بررسی رابطه میان کیفیت زندگی جنسی، شادکامی و رضایت از زندگی در زنان متأهل ترکیه پرداختند. یافته‌ها در این تحقیق نشان دادند که کیفیت رضایت جنسی در زنان با شادکامی و رضایت از زندگی زنان ارتباط مثبت و معناداری دارد. از این‌رو رضایت جنسی یک عامل پیش‌بینی‌کننده قوی در رضایت

6. Dogan, Tugut & Golbasi

7. Barnes, Dodson, Wood, Tomas & Kimberly

8. Nosko, Tieu, Lawford, & Pratt

9. Colin

1. Young & Long

2. Zhang

3. Davis & Shaver

4. Brassard, Shaver & Lussier

5. Lampis

شخصیت و تعاملات آنها در میزان رضایت جنسی افراد سهم ندارد. این نتیجه گیری از پژوهش در حالی است که در بسیاری از پژوهشات ماقبل این ارتباطی نزدیک و قوی در میزان رضایت زناشویی به اثبات رسیده است. با توجه به این که یکی از مؤلفه های اساسی رضایت زناشویی، میزان رضایت جنسی زوجین است و این امر بر این نتیجه که برای یافتن نحوه ارتباط نوع شخصیت فرد و سبک دلبستگی وی با میزان رضایت جنسی او نیاز به یافتن مؤلفه سومی است که نقش کاتالیزور را در ارتباط این سه مؤلفه به عمل آورد، سحه می گذارد.

منابع

- امیریان زاده، مژگان؛ محمدی، مهدی؛ امیریان زاده، مهدی (۱۳۸۶). *جایگاه آموزش و تربیت جنسی در مدارس و مراکز آموزش عالی*، خلاصه مقالات سومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی، دانشگاه تهران.
- بحرینیان، علی؛ یوری، مهدی (۱۳۸۶). رضایت جنسی و رضایت از زندگی. *اخبار روان‌درمانی*، ۱۵، ۸۳-۶۷.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۷۹). *ساخت و هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسالان*. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، گزارش طرح پژوهشی.
- بشارت محمدعلی، مظلوم حسینی نگار، غلامعلی لوانسانی مسعود، قنبری هاشم آبادی بهرامعلی (۱۳۹۵). نقش تعدیل کننده حالت اضطرابی، با دانش و بازخورد جنسی در رابطه بین و خامت اختلال های جنسی و مشکلات زناشویی. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۵ (۵۷)، ۲۰-۴۳.
- پور اکبر، سعید (۱۳۸۹). *بررسی نقش ویژگی های شخصیتی در تعیین رابطه بین رضایت جنسی با رضایت زناشویی*. پایان نامه کارشناسی اتحول. دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- حسین خانزاده عباسعلی، نیازی ایل امان، طاهر محبوبه، مقتدائی کمال، مهری ثریا، محمدی حاتم (۱۳۹۴). شناسایی و اولویت یابی ملاک های انتخاب همسر در دانشجویان مجرد دانشگاه گیلان. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۴ (۴)، ۷۵-۹۰.
- حسینی، زهرا (۱۳۹۲). *مقایسه ویژگی های شخصیتی زوجین متعارض و عادی با استفاده از پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی نئو*. دانشگاه اصفهان. *مجله علمی پزشکی قانونی*، ۱۹ (۴)، ۱۷۳-۱۶۵.
- خوشایی، کتابون؛ ابوحمزه، الهام (۱۳۸۵). *نظریه دلبستگی جان بالبی*. تهران: دانژه.
- سالاری، پروین (۱۳۹۰). بررسی ارتباط سبک دلبستگی بالغین به والدین با میزان عملکرد جنسی زنان. *اصول بهداشت روانی*، ۱۳ (۴)، ۵۵-

تنگاتنگ قرار داشت. علاوه بر این در این تحقیق به اثبات رسیده بود که ارتباطی مؤثر بین مؤلفه های رضایت از زندگی و رضایت جنسی برقرار بوده است.

در پژوهشی که توسط نصیرزاده (۱۳۹۶) انجام گرفته بود بین سطحی از رضایت زندگی و نوعی از ریخت شخصیت رابطه مؤثر برقرار بود. با توجه به این که در این پژوهش رابطه بین رضایت از زندگی و ریخت شخصیتی افراد از نظر آماری فاقد معنا بود و فرض ارتباط بین آنها را رد کرد، ولی همچنان به نظر می رسد که ارتباط رضایت مندی افراد با مؤلفه های دیگر شخصیت افراد باید مورد پژوهش قرار گیرد چرا که نوع شخصیت افراد بنیان تمامی روندهای آتی زندگی افراد را مشخص می سازد.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهشی که توسط دلمار سانچز - فونتر و همکاران (۲۰۱۳) صورت گرفته بود ناهمسو است چرا که در این تحقیقات به اثبات رسیده بود میزان رضایت جنسی افراد با توجه به هویت جنسی آنها در ارتباط با نوع سبک دلبستگی آنها در تعامل بود، در حالی که در این پژوهش امکان وجود ارتباط بین میزان رضایت جنسی و سبک دلبستگی بی معنا بود. این چنین به نظر می رسد که برای معنادار بودن این ارتباط باید به دنبال مؤلفه ای دیگر علاوه بر ریخت شخصیت و سبک دلبستگی بود که نقش میانجی گر بین این سه مؤلفه ایفا کند.

در تبیین این فرضیه به طور کلی این گونه می توان استنباط کرد که چنان چه الگوی تعاملی درستی بین سبک دلبستگی زوجین و ریخت شخصیتی آنها برقرار شود موجب افزایش رضایت از زندگی افراد خواهد بود. به طوری که هر چه الگوی سبک دلبستگی افراد به سبک دلبستگی ایمن نزدیک تر باشد و از درجه بالاتری از نمره دلبستگی ایمن برخوردار باشند بالطبع میزان رضایت از زندگی در آنها افزایش خواهد یافت. ولی هر سبک از الگوی دلبستگی و ریخت شخصیت و تعاملات آنها در میزان رضایت جنسی افراد سهم ندارد.

در تبیین این فرضیه به طور کلی این گونه می توان استنباط کرد که چنان چه الگوی تعاملی نادرستی بین سبک دلبستگی زوجین و ریخت شخصیتی آنها برقرار شود موجب کاهش رضایت از زندگی افراد خواهد بود. به طوری که هر چه الگوی سبک دلبستگی افراد به سبک دلبستگی نایمن نزدیک تر باشد و از درجه بالاتری از نمره دلبستگی نایمن برخوردار باشند با الطبع میزان رضایت از زندگی در آنها کاهش خواهد یافت، ولی هر سبک از الگوی دلبستگی و ریخت

- measurement of pattern A behavior. *Journal of Chronic Diseases*, 20(7), 525-533.
- Bradley, R. P. C., Friend, D. J., & Gottman, J. M. (2011). Supporting healthy relationships in low-income, violent couples: Reducing conflict and strengthening relationship skills and satisfaction. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 10(2), 97-116.
- Colin, V. L. (1996). McGraw-Hill series in developmental psychology. *Human attachment. New York, NY, England: Mcgraw-Hill Book Company*.
- Collins, N. L., & Feeney, B. C. (2000). A safe haven: An attachment theory perspective on support seeking and caregiving in intimate relationships. *Journal of personality and social psychology*, 78(6), 1053-1073.
- Collins, N. L., & Feeney, B. C. (2004). An attachment theory perspective on closeness and intimacy. *Handbook of closeness and intimacy*, 163-187.
- Corcoran, K. O. C., & Mallinckrodt, B. (2000). Adult attachment, self-efficacy, perspective taking, and conflict resolution. *Journal of Counseling & Development*, 78(4), 473-483.
- Davis, D., Shaver, P. R., Widaman, K. F., Vernon, M. L., Follette, W. C., & Beitz, K. (2006). "I can't get no satisfaction": Insecure attachment, inhibited sexual communication, and sexual dissatisfaction. *Personal Relationships*, 13(4), 465-483.
- Del Mar Sánchez-Fuentes, M., Santos-Iglesias, P., & Sierra, J. C. (2014). A systematic review of sexual satisfaction. *International journal of clinical and health psychology*, 14(1), 67-75.
- Dempster, D. (2007). Multidimensionality of patterns of attachment, sexual attitudes, and unwanted sex (Unpublished doctoral dissertation). *The University of Mississippi, University, Mississippi*.
- Diener, E. D., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985). The satisfaction with life scale. *Journal of personality assessment*, 49(1), 71-75.
- Dogan, T., Tugut, N., & Golbasi, Z. (2013). The relationship between sexual quality of life, happiness, and satisfaction with life in married Turkish women. *Sexuality and Disability*, 31(3), 239-247.
- Feeny, J., & Noller, P. (1990). Attachment style and verbal descriptions of romantic parents. *Journal of Social and Personal Relationships*, 8(2), 187-215.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*, 52(3), 511-524.
- Hudson, W. (1993). Index of Marital Satisfaction (IMS). *Tempe, AZ: Walmyr*.
- Lampis, J. (2016). Does partners' differentiation of self predict dyadic adjustment?. *Journal of Family Therapy*, 38(3), 303-318.
- McCabe, M. P., & Goldhammer, D. L. (2012). Demographic and psychological factors related to sexual desire among heterosexual women in a relationship. *Journal of sex research*, 49(1), 78-87.
- Nosko, A., Tieu, T. T., Lawford, H., & Pratt, M. W. (2011). measurement of pattern A behavior. *Journal of Chronic Diseases*, 20(7), 525-533.
- شاه محمدی، سعید؛ فاتحی زاده، محمد؛ احمدی، سید علی (۱۳۹۰). پیشگویی ناسازگاری زناشویی با ویژگی‌های شخصیت، روانشناسی با توجه به پراکندگی آماری زوجین. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۲(۴۳)، ۳۳-۴۴.
- شاملو، سعید (۱۳۸۰). *بهداشت روانی*. تهران: تحول.
- رسولی، رؤیا؛ سلطانی گرد، سمیه (۱۳۹۱). مقایسه و بررسی جهت‌گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی با سازگاری زناشویی در طلاب و دانشجویان. *خانواده پژوهی*، ۳۲، ۴۳۹-۴۲۷.
- عیدی، رقیه؛ خانجانی، زینب (۱۳۸۵). بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی. *پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۲ و ۱(۳)، ۱۶۵-۱۹۱.
- کلال فوچان عتیق، یاسر (۱۳۹۴). *اثر بخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سازگاری زناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان*. ویژه نامه سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم تربیتی، ۵۲۳-۵۲۷.
- مؤمنی جاوید، مهرآورد؛ شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۹۰). تأثیر روان‌درمانی زوجین بر کیفیت زندگی زوجین آسیب دیده از خیانت‌های زناشویی در تهران، پژوهش و سلامت، ۱، ۶۴-۵۴.
- موسوی، اشرف السادات (۱۳۸۶). *مشاوره قبل از ازدواج*. تهران: مهر کاویان.
- میرزایی، بهرام (۱۳۸۰). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، فشار روانی و شیوه‌های مقابله با آن در بیماران مبتلا به MS. پایان‌نامه دکتری رشته روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- نصیرزاده، شیوا (۱۳۹۶). مقایسه رابطه میان طر حواره های ناسازگار اولیه، ساز و کارهای دفاعی و ریخت شخصیت D در افراد دارای سبک دلبستگی ایمن و نایمن. *اصول بهداشت روانی*، ۱۹(۲)، ۹۶-۱۰۴.
- Barnes, A., Dodson, M., Wood, B., Thomas, H., & Kimberly, C. (2017). The effect of attachment styles on positive communication and sexual satisfaction in relationships. *Journal of Positive Sexuality*, 3(2), 27-31.
- Bouchard, G., Lussier, Y., & Sabourin, S. (1999). Personality and marital adjustment: Utility of the five-factor model of personality. *Journal of Marriage and the Family*, 651-660.
- Brassard, A., Shaver, P. R., & Lussier, Y. (2007). Attachment, sexual experience, and sexual pressure in romantic relationships: A dyadic approach. *Personal Relationships*, 14(3), 475-493.
- Bortner, R. W. (1969). A short rating scale as a potential measure of pattern A behavior. *Journal of chronic diseases*, 22(2), 87-91.
- Bortner, R. W., & Rosenman, R. H. (1967). The

- How do I love thee? Let me count the ways: Parenting during adolescence, attachment styles, and romantic narratives in emerging adulthood. *Developmental Psychology*, 47(3), 645- 657.
- Segraves, R. T. (2002). Female sexual disorders: psychiatric aspects. *The Canadian Journal of Psychiatry*, 47(5), 419-425.
- Young, M; Long, L. (1998). Counseling and therapy for couple. New York: Booksco publishing company.
- Zhang, Q. (2007). Family communication patterns and conflict styles in Chinese parent-child relationships. *Communication Quarterly*, 55(1), 113-128.